

## بازی با کلمات

پا توی کفش...

از آنجایی که در راستای اجرای اوامر مدیر مسؤؤل او سردبیر! فوش تیپمان مینی برهوازنه کیلویی و ویبی(۱) مطالب ترکی و فارسی مجله لازم است متما" یک صفحه دیگر به مطالب مجله افزوده گردد و طنز ماندی ، انتقادکی ، پیژی ...نوشته شود و در صفحه «پوآنگه» مجله یا فوش کند و ما هم که نه تمنان برای کتک می فارد(چه کنم زبانم لال دموکراسی مموکراسی که مالیشان نیست) و نه افتخار همکاری با مجله وزین « دان اولدوزو » را می فواییم همین طوری الکی الکی از دست بدهیم تصمیم گرفتیم با اراده ای پولادین (نمی دانم چند در صد کربن!) به جنگ همه نابسامانیهای که البته هر چه بستیم کمتر یافتیم (۱) برویم و هر چه انتقاد و درددل و دل درد و پیشم درد و دندان درد و کمر درد (۱) در مورد مسایل عمده فودمان \_ که فیلی هم ممتزم هستیم\_ داریم برای پر کردن ستون مقرر و موازنه کفه های ترازو در همان راستایی که قبلا" هم گفتیم ! بنویسیم .

فلاصه از همه راستاها که بگذریم می رسیم به راستای اینکه ملالی نیست جز دوری مدیریت ممتزم امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه که ازو قرار فعلا" سرگرم دفاع جانانه از تز دکترای فود می باشند و بطور طبیعی اصلا" وقت ندارند به وعده های فود ( که شایعه های مبنی بر توفالی بودنشان سر زبانهاست) در باره برپایی مراسمی برای اعطای مدارکدانشجویان شرکت کننده در کلاس سطح یک زبان و ادبیات ترکی عمل کنند\_ ارائه درس دو وامدی زبان و ادبیات ترکی که جای فود دارد. یا یک وقت فدای نکرده ادامه همان کلاس قبلی به صورت فوق برنامه! \_ که امیدواریم آن هم به زودی زود برطرف گردد.

چه کنیم که این تشابه اسمی آقای دکتر با رئیس دفتر ریاست جمهوری هم درد سری شده برای ما<sup>(۱)</sup> . اصلا" از کجا معلوم ایشان نامه

مسؤؤلین مجله گزارش به دفتر ریاست جمهوری را فطاب به فود نگرفته باشند ؟ گزارش"یها را هم که نگو ، امیرا" نه تنها فود را در مسائل مربوط به طالبان و ممره و عبادان و علی الفصوص «آذربایجان» سر پیاز می دانند متی می توان گفت تا مدودی ادعای ته پیاز بودن را هم داشته باشند .چه می توان کرد این بیچاره ها هم لابد با کمبود مطلب و ازدیاد کاغذ سفید مواجه بوده اند طفلکیها!

دست آفر هم عرض تبریکی داریم خدمت مسؤؤلین فرهنگی دانشگاهمان در راستای انبوهی<sup>(۲)</sup> برنامه های فرهنگی ، ادبی ، اجتماعی و .. دانشگاه ( از قبیل شب شعر ، عصری با قصه ، صبمی با ... و غیره ) به نموی که در طول ۱۲ ماه سال متی یکروز در تالار ۸ جای سوزن انداختن نیست چه برسد به اینکه آنرا برای انجام مراسم در اختیار دانشجویان آذربایجانی قرار دهند

نتیجه گیری : تشابه اسمی گاهی می تواند درد سر ساز باشد مثل شباهتی که فامیلی این رفیق فوقیمان (بیشید کارشناسی ارشد) با جناب ستار خان دارد و موجب دردسرهایی برای سردبیر شده است .

پوآنگه

پاورقیها: (۱) ابطی ، (۲) باساراق

### سوز سوز (سخن آخر)

اینکه منشا تاریخی همه ترک زبانان ساکن در ایران یکی میباشد شکی نیست . ترک زبانان در هر کجای ایران عزیزکه باشند دارای هویت مشترک تحت عنوان ؛ترک؛ می باشند. آذربایجان به عنوان یک منطقه جغرافیایی اکثریت این شهرهای ترکزبان را شامل می شود.اما در مناطق مرکزی و جنوبی ایران ، شمال و شمال شرقی ایران نیز ترکهای فراوانی زندگی می کنند.در این سخن کوتاه قصد کالبد شکافی چگونگی مهاجرت و سکونت این ترکها در اقصی نقاط کشوروعلل آنها نداریم بلکه بحث ازو هویت فرهنگی و ملی مشترک همه این هموطنان و دفاع ازو آنها داریم .میل به پاسداشت زبان و فرهنگ ترک زبانان تنها به منطقه آذربایجان محدود نمی شود بلکه تمام نقاط کشوررا که به نوعی هموطنان ترک زبان در آنها زندگی می کنند شامل می شود.اگرچه آذربایجان همواره بعلت خاستگاه خاص فرهنگی واجتماعی خود در طول تاریخ و وجود روشنفکران مذهبی و ملی کارکرد مهم تری در دفاع ازو هویت ترک زبانان ایران داشته است اما اینک ترک زبانان ایران در سایر نقاط کشورمان در عین پاسداشت زبان و فرهنگ رسمی کشورو ارادت خاص به آن بسمت خودآگاهی ملی و فرهنگی نیز پیش می روند.عمده ترین طبقه اجتماعی دخیل در این فرایند جوانان و دانشجویان می باشند که در عین قرار گرفتن در مجموعه اصلاح طلبان دوم خرداد ازو هویت ملی خود نیز دفاع می کنند.از دیدگاه این دانشجویان ترک